دادەنمای بسیج تمام‌نشدنی است - 6 /آذر/ 1395

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری www.leader.ir به مناسبت روز بسیج دادەنمای «بسیج تمام‌نشدنی است» را منتشر کرد. این دادەنما به مرور بیانات معظم له در دیدار روز گذشته ایشان با بسیجیان پرداخته است.

مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان . 3 آذرماه 1395

اشاره: یک مطلب اصلیِ امروز من دربارۀ بسیج است. بنده فقط سرفصل‌ها را میگویم، بقیّه‌اش به عهدۀ شما. اگر این سرفصل‌هایی که عرض کردیم، مورد توجّه قرار بگیرد، آن‌وقت بسیج این توانایی را خواهد داشت که در اصلی‌ترین عرصه‌های جامعه به‌صورت پُرقدرت ظاهر بشود و اثر بگذارد.

امام با تشکیل بسیج سرنوشت انقلاب را به دست جوان‌ها سپرد:
بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود ؛ امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهَم (۳) شد به اینکه این اقدام را بکند ؛ بسیج بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود. اصلاً معنای این کار چه بود؟ معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار این تعلیم را داد، این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را بسپرد دست جوانها ؛ نه‌فقط جوانهای آن روز. وقتی جوانها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آنها سپرده شده است، این اعتمادی را که به آنها شده است، دست‌به‌دست در طول زمان به یکدیگر منتقل میکنند ؛ و همین اتّفاق افتاده است. شاید نود درصد شماها که اینجا هستید، نه دوران امام را دیده‌اید، نه امام را مشاهده کرده‌اید، اکثرتان جنگ را ندیده‌اید امّا روحیّه، همان روحیّه است. نه اینکه من از اظهاراتی که این جوانهای عزیزمان اینجا کردند این را الهام بگیرم ؛ نه، من اطلاع دارم، من مرتبطم با جوانها. روحیّۀ امروز جوانهای ما همان روحیّۀ جوانهای آن‌وقت است ؛ با این تفاوت که آنها آن‌وقت در وسط کورۀ انقلاب بودند، امروز آن [شرایط] نیست، درعین‌حال آن روحیّه هست. تفاوت دیگر اینکه بصیرت و آگاهی و تجربه‌ای که جوانهای ما امروز دارند، آن روز وجود نداشت ؛ یعنی ما پیش رفته‌ایم. امام سرنوشت انقلاب را سپرد به شما جوانها ؛ و هر مجموعۀ جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا میگذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل میدهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌نشدنی است. البتّه معنای اینکه ما میگوییم حفظ انقلاب و پاسداشت انقلاب را امام به جوانها داد، این نیست که غیر جوانها مأموریّت ندارند ؛ چرا، این مأموریّت همه است ؛ از پیرمرد هشتادساله و بالاتر از هشتادساله تا نوجوان، از مرد تا زن، از نخبه تا غیر نخبه و مجموع آحاد ملّت و کشور مأموریّت دارند انقلابشان را حفظ کنند ؛ این وظیفۀ همۀ ما است.

جوانان بسیجی به مطالب امام مراجعه کنید:
جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است. اگر نسل جوان نمیبود و نمیخواست و اقدام نمیکرد، حرکت متوقّف میشد ؛ اندیشۀ پیران و فکر و تجربۀ آنها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانۀ جوانان وجود داشته باشد ؛ پیش‌ران این حرکت، جوانها هستند. بنابراین امروز، شما جوانهایی که امام را ندیده‌اید مخاطب امامید، امام با شما حرف زده است، امام با شما صحبت کرده است. مراجعه کنید به مطالب امام.

پیروزی قطعی حرکت بسیج در گرو تقوا و حُسن عمل ماست:
یک نکتۀ دیگر این است که قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این پیروزی دارد این است که همۀ ما -جوانها و غیر جوانها- تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم. تقوای شخصی و

تقوای اجتماعی و گروهی، هرکدام معنایی دارد ؛ حالا من دربارهٔ تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عرایضی کرده‌ام و دیگر نمیخواهم تکرار کنم. تقوا لازم است ؛ خودتان را مراقبت کنید ؛ هم مراقبت شخصی کنید، هم مراقبت گروهی کنید. اگر اینطور شد، خدا فرمود: اِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقوا وَ الَّذینَ هُم مُحسِنُون ؛ (۴) کسانی که تقوا پیشه کنند و نیکو عمل بکنند، مَعَ الَّذینَ، خدا با اینها است. اینکه خدا با یک جمعی باشد، خیلی مسئلهٔ مهمّی است.

اگر ما بتوانیم معیت الهی را حفظ کنیم، بر همه نیروها غلبه خواهیم کرد:
حضرت موسیٰ ... وقتی که کارشان به معارضه و رودررویی علنی افتاد و بنی‌اسرائیل را جمع کرد که سحَر، [یعنی] صبحگاه خیلی زود یا نیمه شب، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک‌مقداری روز بالا آمد، جاسوسهای فرعون خبر دادند که بنی‌اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند ؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا میروند یک‌جای دیگر و یک هسته‌ای درست میکنند ؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت سر اینها راه افتادند ؛ حالا چقدر فاصله شده من نمیدانم، شاید یک‌روز یا دو روز یا کمتر یا بیشتر فاصله شده که این لشکر راه افتاده است. خب، آنها پیاده داشتند بدون تجهیزات میرفتند -یک مشت مردم بودند ؛ زن، مرد، بچّه- [امّا] اینها با تجهیزات و سپاه و لشگر و اسب و همه‌چیز ؛ طبعاً زود به آنها میرسیدند ؛ به آنها [هم] رسیدند. اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید ؛ دستپاچه شدند. در قرآن -سورهٔ شعرا- میفرماید که «فَلَمّا تَرٰءَا الجَمعان»، وقتی‌که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو میرفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این‌قدر به هم نزدیک شدند که میتوانستند یکدیگر را ببینند، قالَ اَصحٰبُ موسیٰٓ اِنّا لَمُدرَکون ؛ بنی‌اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند که یا موسی! الان به ما میرسند ؛ «مُدرَکون» یعنی الان آنها میرسند، ما را میگیرند و قتل‌عام میکنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: قالَ کلاّ، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد ؛ چرا؟ اِنَّ مَعِیَ رَبّی ؛ معیّت این است. [گفت] خدا با من است، پروردگار من با من است ؛ کلاّ اِنَّ مَعِیَ رَبّی سَیَهدین. ببینید! معیّت الهی این‌قدر اهمّیّت دارد. اینکه میگویند: اِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقوا وَ الَّذینَ هُم مُحسِنون ؛ این معیّت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیّت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.

بسیج یک حرکت احساسی نیست ؛ بلکه متکی بر دانستن و فهمیدن و بصیرت است:
بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متّکی است به دانستن و فهمیدن، متّکی است به بصیرت. واقعی بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا می‌کند. یک عدّه‌ای اوّل انقلاب جزو کسانی بودند که پرشور با انقلاب همراه بودند امّا از روی احساس ؛ از روی عمق فهم دینی نبود. بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم، در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم ؛ عمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدمهایی که زاویهٔ با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند -خاصیّت زاویه هم این است که اوّل خیلی محدود شروع میشود، [امّا] هرچه انسان خط را پیش برود، این فاصله بیشتر میشود، دهنه وسیع‌تر میشود- شدند مقابل انقلاب. بسیج همراه با بصیرت است. اینکه بنده سال ۸۸ روی بصیرت تکیه کردم، عدّه‌ای ناراحت شدند، عصبانی شدند، طنز گفتند، بد گفتند، مقاله نوشتند علیه اینکه چرا میگویید بصیرت، به‌خاطر این است ؛ بصیرت مهم است ؛ دانستن و فهمیدن مهم است.

بسیج جناحی نیست ؛ بلکه در خدمت انقلاب است:
بسیج جناحی نیست ؛ یکی از دو جناح سیاسی، یا سه جناح سیاسی، یا چهار جناح سیاسیِ داخل کشور نیست. بسیج لشکر انقلاب است، بسیج مال انقلاب است. اگر دوگانگی‌ای وجود داشته باشد، دوگانگی انقلابی و ضدّ انقلابی است -حتّی [فرد] غیر انقلابی هم قابل کشش است، قابل جذب است ؛ بنده معتقد به جذب حدّاکثری‌ام، البتّه با

روشهای خودش، نه اینکه حالا هر کاری بکنیم به‌عنوان جذب حدّاکثری- انقلاب و ضدّ انقلاب. هر جناحی، هر کسی، هر آدمی که انقلاب را قبول دارد، در خدمت انقلاب است، دنبال انقلاب است، بسیج طرف‌دار او هم هست. یعنی این‌جور نیست که ما در جناحهای داخل کشور، بسیج را جزو این جناح یا آن جناح یا آن جناح [سوم] یا آن جناح [چهارم] بدانیم ؛ نخیر، خود بسیج یک جریان است، یک شطّ عظیم جاری است به سمت اهداف انقلاب.

در بسیج هم خط افقی داریم و هم خط عمودی ؛ هر دو برای بسیج لازم است:
هم خطّ افقی در بسیج هست، هم خطّ عمودی در بسیج هست. نه مثل سازمانهای متعارف نظامی یا تشکیلات اداری است که صرفاً خطّ عمودی باشد، نه مثل مجموعه‌های خدماتی مردمی است که صرفاً خطّ افقی باشد. هم خطّ عمودی دارد، هم خطّ افقی دارد ؛ هرکدام بنحوی برای تشکیل بسیج یک امر لازمی است.

هم‌افزایی بین قشرهای مختلف مردم در بسیج لازم است:
در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند ؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و غیره، همه باید باشند. این گسترهٔ بسیج به‌صورت افقی است. البتّه شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی بکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه میکنم -همین‌جا هم میگویم، مسئولین هم تشریف دارند- و باید انجام بگیرد، [ایجاد] یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و هم‌افزایی این سطح وسیع افقی. بنابراین بسیج خطّ افقی دارد.

لایه‌های مختلف بسیج به مجموعه‌های اندیشه‌ورز برای هدایت عمومی احتیاج دارد:
از طرفی بسیج احتیاج دارد به مجموعه‌های اندیشه‌ورز، به هدایت عمومی. این هدایت ... یک خطّ عمودی است. هیئتهای اندیشه‌ورز ؛ من اصرار دارم این کلمهٔ «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها میگویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل میکنند به ترجمهٔ تحت‌اللفظی فارسی، همانها را مدام با افتخار به کار میبرند ؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئتهای اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئتهای اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچّه‌ها اینجا میگویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمیفرستید، همان جنگ سخت است ؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی برود، کِی برود، چه‌جوری برود ؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصهٔ بسیار وسیعی است و روزبه‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده‌تر میشود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است -یعنی در جنگ سخت، جسمها به خاک و خون کشیده میشوند، [ولی] روحها پرواز میکنند و میروند به بهشت ؛ [امّا] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسمها پروار میشوند و سالم میمانند، [ولی] روحها میروند به قعر جهنم ؛ فرقش این است ؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است- هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد ؛ تا سازندگی که بسیج یک‌جاهایی مشغول سازندگی است ؛ تا تقسیم مأموریّتهای جغرافیایی -همین‌که آمایش سرزمینی میگویند ؛ در یک نقطه‌ای از کشور بسیج میتواند یک کاری را انجام بدهد که در نقطهٔ دیگر یا نمیتواند انجام بدهد آن کار را، یا لازم نیست انجام بدهد- این باید با هوشیاری صورت بگیرد که هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد. تمام این لایه‌های مختلف و لایه‌های گوناگون دیگر، هرکدام هیئتهای اندیشه‌ورز لازم دارد.

هیئت‌های اندیشه‌ورز باید در بالاترین سطوح بسیج برای کلّ مجموعهٔ بسیج راهبردنگاری کنند:
هیئت اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح بسیج که برای کلّ مجموعهٔ بسیج بنشینند خط‌نگاری کنند، راهبردنگاری کنند -اینجا هم من مایل نیستم تعبیر استراتژیست را به کار ببرم ؛ راهبردنگار، راهبرداندیش- لازم داریم. ما راهبرداندیشانی را لازم داریم که بنشینند و کارشان فقط این باشد ؛ این از مهم‌ترین کارها است. مثل راهبرداندیشان

نظامی که در همه‌جای دنیا هم معمول است، به قول خودشان استراتژیست‌های نظامی که می‌نشینند و تکلیف جنگ را، کار نظامی را مشخّص میکنند. این لازم است، اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد. وقتی ما اینها را انجام دادیم، آن‌وقت شما در هر نقطه‌ای از مجموعهٔ عظیم بسیج که مشغول کار هستید -در حلقهٔ صالحین باشد، در راهیان نور باشد، در دبیرستان باشد، در دانشگاه باشد، در محیط کارگری باشد، در مسجد باشد- هرجا که شما در زمینهٔ بسیج مشغول کار هستید و میدانید که یک عضو فعّال هستید از یک مجموعهٔ خردمند و هدف‌دار که دارد حرکت می‌کند و پیش میرود، این احساس در شما به وجود می‌آید. نمیگوییم مثل یک عضو از بدن ؛ نه، چون اعضای بدن درست است که حرکت میکنند، امّا همه اسیر مغزند ؛ مغز میگوید ببین، مغز میگوید بشنو، مغز میگوید بگو یا حرکت کن ؛ مغز فعّال است. در بسیج این‌جوری نیست که فقط از مرکز بگویند بگو ؛ نه، مثل این است که هر عضوی خودش یک مغزی داشته باشد که با آن مغز اصلی که در سر است هماهنگ باشد -که این هماهنگی البتّه راه‌هایی دارد- یک‌چنین حالتی به وجود خواهد آمد.

در کنار هیئت‌های اندیشه‌ورز، هیئت‌های رصدگر لازم است:
اگر چنانچه ما این هیئتهای اندیشه‌ورز را داشتیم و فعّال کردیم، در کنار این، هیئتهای رصدگر لازم است. رصدِ چه؟ چون بسیج یک موجود متحرّک است، یک مجموعهٔ زنده است، پویا است، مشغول رویش است، مشغول پیش‌روندگی است، باید رصد کرد که متوقّف نشود ؛ باید رصد کرد که راه را خطا نرود، اشتباه نرود ؛ باید رصد کرد که مورد آسیب قرار نگیرد، مریض نشود، ویروس‌های گوناگون در آن نفوذ نکنند. دستگاه رصدگر غیر از دستگاه اطلاعات و حفاظت اطلاعات و مانند اینها است ؛ آنها را کار ندارم، آنها به جای خودش هر کدام مسئولیّتی دارند ؛ دستگاه رصدگر آن دستگاه خردمند و عاقلی است که مثل صفحهٔ مغناطیسی و برقی که انسان جلویش گذاشته و دارد واقعی بیرون را مشاهده می‌کند، میبیند که چه اتّفاقی می‌افتد.

بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است:
بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است. ما که میگوییم مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، بعضی خیال میکنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است ؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگیِ جامعه، خود مردمند ؛ مردم‌سالاری یعنی این ؛ این معنای مردم‌سالاری اسلامی است. بسیج در همهٔ عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است. اگرچنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم‌سالار ؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوّت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار ؛ در علم همین‌جور است، در پیشرفتهای گوناگون اجتماعی همین‌جور است، در سیاست همین‌جور است ؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.

بسیج می‌تواند هم در هدف‌گذاری و هم در عمل دیگر دستگاه‌های مسئول را یاری کند:
بسیج میتواند دستگاه‌های مسئول را، هم در جهت‌دهی، هم در هدف‌گذاری، هم در عمل یاری بدهد. یعنی ما وقتی راجع به بسیج صحبت میکنیم و این مطالب را میگوییم و توانایی‌های بسیج را میگوییم، نمیخواهیم برای قوّهٔ مجریّه یک رقیب بتراشیم ؛ نخیر، قوّهٔ مجریّه وظایفی دارد، مسئولیّتهایی دارد که باید آنها را انجام بدهد، وظیفه‌اش است، امّا بسیج میتواند کمک کند به قوّهٔ مجریّه برای جهت‌دهی صحیح، برای جلوگیری از خطا و انحرافِ در مسیر. و در عمل [هم میتواند] کمک کند ؛ مثل همین اقتصاد مقاومتی که بعضی از آقایان اشاره کردند. میتواند به‌عنوان مکمّل عمل کند، میتواند به‌عنوان امیدبخش عمل کند. بعضی از دستگاه‌های دولتی در بعضی از زمینه‌ها دچار ناامیدی میشوند و میگویند: نمیشود! چطور نمیشود؟ این‌همه کارهای بزرگ انجام گرفت، نمیشود یعنی چه؟ میگویند: نمیشود! بسیج وقتی‌که جلو افتاد، وقتی این نیروی جوان و پیش‌ران، حرکت صحیح خودش را دنبال کرد،

آن آدم ناامید و افسرده هم بانشاط میشود و امیدوار میشود.

نمیخواهم بگویم بسیجی فرشته است و از ضعف‌های بشری دور است، ولی بن‌بست ندارد:
البتّه من هرگز نمیخواهم مبالغه کنم، بنده نمیخواهم بگویم بسیجی یک فرشته است و از ضعفهای بشری دور است، نخیر ؛ همهٔ ماها دچار ضعفهای بشری هستیم ؛ ترس داریم، تردید داریم، ملاحظات گوناگون داریم، گرفتاری‌های خانوادگی داریم، گرفتاری‌های اجتماعی داریم، امّا بن‌بست نداریم، من این را میخواهم بگویم. جوان بسیجی ممکن است یک‌وقتی، در یک برهه‌ای دچار ترس بشود، یا در یک مسئلهٔ خاصّی دچار تردید بشود، امّا دچار بن‌بست نمیشود ؛ برای خاطر اینکه عناصر هدایتگر و قدرت‌آفرین و راهنما در بسیج آن‌قدر هست که بتواند همهٔ این نقاط ضعف را برطرف کند یا تبدیل کند به نقاط قوّت.

بسیج می‌تواند در اصلی‌ترین عرصه‌های جامعه پُرقدرت ظاهر بشود و اثر بگذارد:
اگر این سرفصل‌هایی که عرض کردیم، مورد توجّه قرار بگیرد آن‌وقت بسیج این توانایی را خواهد داشت که در اصلی‌ترین عرصه‌های جامعه به‌صورت پُرقدرت ظاهر بشود و اثر بگذارد ؛ هم در عرصهٔ علم، هم در عرصهٔ فرهنگ، هم در عرصهٔ اقتصاد، هم در عرصهٔ خدمت‌رسانی ؛ در همهٔ این عرصه‌ها بسیج میتواند به‌عنوان یک نیروی پُرقدرت و اثرگذار [ظاهر شود]. وقتی میگویند بسیج بی‌ترمز است، یعنی همین.

بسیج می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کند:
خب امروز ما مشاهده میکنیم در کشور از لحاظ مسائل اقتصادی مشکلاتی وجود دارد ؛ البتّه ما امسال گفتیم سال اقدام و عمل، دیروز هم مسئولین محترم یک گزارش مفصّلی برای من فرستادند، فهرستی از اقدامها و عملهایی که انجام گرفته از اوّل سال تا حالا را ذکر کردند ؛ یعنی ما خواستیم، گفتیم خب بالاخره [برای] اقدام و عمل چه اتّفاقی افتاده، یک گزارش مفصّلی دست من رسید و نگاه کردم. آمارهایی هست، کارهایی هست، اقداماتی انجام گرفته، منتها باید در صحنهٔ عمل نتیجه‌اش دیده بشود ؛ آنچه مهم است این است که آماری که ما میدهیم، نتیجه‌اش در عمل دیده بشود. من اوّل سال هم گفتم که بایستی جوری عمل بکنیم که وقتی آخر سال شد، بتوانیم فهرست بدهیم، بگوییم این کارها را انجام دادیم، این هم نشانه‌هایش در عمل و در واقعی جامعه ؛ این‌جور نباشد که صرفاً گزارش باشد. بسیج میتواند در تحقق این مقصود نقش ایفا کند.

بسیج، به عنوان الگو در بخش مهمّی از دنیای اسلام جا باز کرد:
بسیج الگوسازی بود ؛ بسیج ایجاد الگو بود. این الگو بدون اینکه هیچ تبلیغاتی برایش بشود، هیچ کاغذی نوشته بشود، کتابی نوشته بشود، پیغامی به کسی داده بشود، به‌طور طبیعی در یک بخش مهمّی از دنیای اسلام جا باز کرد ؛ یعنی خودش را نشان داد. از روی آن نسخه‌نویسی کردند ؛ بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای خوب، بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای بد. اینکه جوانها را بیاورند، با انگیزهٔ دین وارد میدان کنند، مسئولیّت را به آنها بسپرند، به آنها اعتماد بکنند ؛ این شد یک الگو. حالا که الگو شد، دوستان ما در خیلی از کشورها از این الگو بهره گرفتند -که حالا آقایان اسم آوردند، بنده نمیخواهم از کشوری اسم بیاورم- دشمنان [هم] نشستند برایش برنامه‌ریزی کردند.

نفوذ و ایجاد خطوط موازی، از برنامه‌ریزی‌های دشمن برای بسیج است:
یکی از برنامه‌ریزی‌های دشمن عبارت است از نفوذ. بنده الان شاید حدود یک سال یا بیشتر است که راجع به نفوذ دارم صحبت میکنم. از نفوذ باید ترسید، باید مراقب بود. معنای ترس [هم] این نیست که آدم خوف کند، یعنی ملاحظه کنید، مراقب باشید ؛ نفوذ خیلی مهم است. یکی [دیگر] از راه‌هایی که دشمنها دنبال میکنند، ایجاد خطوط

موازی است ؛ رقیب درست کردن برای بسیج ؛ از این کارها هم میکنند. بنده نمیخواهم حالا وارد جزئیّات بشوم امّا من می‌شناسم، اطلاع دارم، شاید بعضی از شما هم اطلاع داشته باشید که همین الان دارند برای بسیج، برای جوانهای کشور، برای همانهایی که من گفتم «افسران جنگ نرم»، رقیب‌سازی میکنند. یک خطّ موازی درست میکنند، برای اینکه از اینجا غافلش کنند و آنجا بکشانندش. اینها مسائل مهمّی است.

شرح، تفصیل و برنامه‌سازی برای این خطوط کلی، بر عهده مسئولین است:
اینها چیزهایی است که برای پیشرفت بسیج و برای تکامل و ثمردهی هرچه بیشتر این شجرهٔ طیّبه لازم است. چون شجره، طیّبه است: اَصلُها ثابِتٌ وَ فرعُها فِی السَّماء * تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها. (۹) اگر بخواهید این «تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها» تحقّق پیدا بکند، این چیزهایی که عرض کردیم لازم است. خب اینهایی که ما عرض کردیم خطوط کلّی است ؛ تحلیلی و ذهنی هم نیست. همهٔ این چیزهایی که عرض کردم ناظر به عمل است، ناظر به واقعی است ؛ هرکدام از اینها شرح و تفصیل هم دارد -همین‌طور که قبلاً عرض شد- هرکدام از اینها، رویّه‌سازی و برنامه‌سازی هم لازم دارد که اینها به عهدهٔ شماها است، به عهدهٔ مسئولین است ؛ باید بنشینند این کارها را انجام بدهند ؛ اینها خطوط کلّی ناظر به عمل است، ناظر به واقع است که باید مورد توجّه قرار بگیرد.